

نکته مهم: خانم گاردنر در این کتاب، ویژگی های سبک های تاریخی را بر اساس دو معیار توصیف و بیان می کند. اولین معیار او برای تقسیم بندی سه هنر نقاشی، پیکر تراشی و معماری هر دوره است و معیار دوم دوره های تاریخی - هنری هر سبک یا کشور. به طور مثال در معماری یونان، ابتدا به ویژگی های نقاشی در اولین دوره هنری یونان یعنی هندسی می پردازد و سپس هنر پیکر تراشی و معماری آن را (اگر داشته باشد) بررسی می کند. و بعد به سراغ دوره بعدی یعنی دوره کهن رفته و سه هنر را در مورد آنها توصیف و تشریح می نماید و به همین ترتیب تمامی دوره های تاریخی - هنری یک سبک، دوره یا کشور را از منظر سه هنر مذکور، به مطالعه و بحث می نشیند.

مقدمه :

به گفته پراتاگوراس¹، انسان "مقیاس همه چیز" است. در جهان بینی انسان دوستانه یونانیان، انسان اهمیت دارد. جمله معروفی در فلسفه یونان منسوب به سقراط، فیلسوف یونانی است که می گوید: "خودت را بشناس". این شناخت خود، از طریق عقل امکان پذیر است. به این ترتیب، برای رسیدن به یک زندگی زیبا و پسندیده، آدمی مطابق طبیعت، قوانین طبیعی و قابل کشف برای انسان منطقی زندگی می کند. در واقع به اعتقاد یونانی ها، آنچه انسان را از همه چیز متمایز می کند، عقل اوست. در واقع عقل آدمی که استدلال کردن را یاد گرفته باشد، برترین پدیده طبیعت است. ارسطو در این رابطه می گوید: "انسان ها ذاتا مشتاق دانستن هستند."

به باور یونانیان، نظام طبیعت با نظام عقل انسان یکی است و هر دو نظام زیبا و ساده هستند و زیبایی اشیاء به منزله شناخت آنهاست.

انسان برترین آفریده و بالاترین ارزش طبیعت، تلقی می گردد. یونانیان با کشف انسان، مساله ثبات و تغییر را کشف کردند و به کار بردند؛ به این معنی که انسان ها می میرند اما بشریت می ماند. بنابراین تغییر و تکامل جزء ذاتی فرهنگ یونانی هاست. (همان طور که محافظه کاری جزء فرهنگ ذاتی مصری هاست.) به این ترتیب می توان گفت ستایش از فرد در تمدن غرب، ریشه در فرهنگ یونانیان دارد.

بنابراین عناصر ثابت در فرهنگ یونان، سه عنصر انسان، طبیعت و عقل هستند که خوبی را به معنی هماهنگی میان این سه عنصر می دانستند. به این ترتیب می توان گفت این سه عنصر، شالوده دستاوردهای یونانیان در زمینه هنر، شعر، ریاضی، فلسفه، تاریخ و منطق است که خود میراثی شد برای پایه ریزی فرهنگ و تمدن غرب.

تاریخچه سرزمین یونان :



نخستین مهاجمان در حدود 2000 ق.م وارد این منطقه شدند و بعد از 1600 ق.م تمدن میسنی را در شبه جزیره یونان، پی افکندند. بعد از 1200 ق.م میسنی ها نیز ظاهرا از مهاجمان تازه شمالی (دوری ها و شاید ایونی ها) شکست خوردند. در سده 7 ق.م در ایونی، فیلسوفان خردگرایی مانند میلئوس، به تفسیر جهان موافق اصول عقلی در مقابل تفسیر دینی آن پرداختند و تبدیل پرستش طبیعت به شناخت یا علم طبیعت را بنیاد

¹ یکی از فلاسفه یونانی ومهترین فیلسوف مکتب سوفسطائی که در زمان پریکلس زندگی می کرد.

نهادند. در آتن، نظام محافظه کارانه قومی با کوشش های فردگرایانه آمیخته شد و پولیس یا دولت شهرهای یونان را پدید آورد. در سده 8 ق.م و در سال 776 پیش از میلاد، دولت شهرهای یونان، به منظور اتحاد بیشتر با یکدیگر، مسابقات دوستانه و تشریفاتی را میان خود برگزار می کردند به نام **اولمپیا**. به دلیل اهمیت این واقعه، یونانی ها سال 776 ق.م را آغاز تاریخ خود قرار دادند.

هر دولت شهر یک واحد مستقل بود و ساخت سیاسی دولت شهرها یا یکدیگر متفاوت بود؛ اما یک الگوی واحد بین همه دولت شهرها، مشترک بود: حق حاکمیت ابتدا متعلق به پادشاهان، بعد از او به اشراف و سپس به " جباران " یا " تیران ها " می بود که قدرت فردی خود را اعمال می کردند که در نهایت آن تعادل پویایی که **دموکراسی** نامیده می شود در آتن به ظهور رسید.

رابطه طبیعت و خدایان یونان :

یونان کشوری است با جغرافیا و آب و هوای متغیر. خلیج های واقع در خط ساحلی عمیقا تو رفته و بریده بریده آن، یونان را به سرزمینی نیمه خشک و نیمه دریایی تبدیل می کند. آب و هوای یونان، بسیار تند، زمستان ها سرد، تابستان ها خشک و گرم است. و تقریبا همیشه نسیم خنک از دریا می وزد. بنابراین شبه جزیره یونان آب و هوا و سرزمین پرتنوع **کوهستانی** - دره ای دارد.

یونانیان به خاطر علاقه ای که به این طبیعت داشتند، کوهستان ها، جنگل ها، رودها، آسمان و دریا را سکونتگاه خدایان می دانستند. آنها زئوس پادشاه این قلمرو را در حال فرمانروایی از فراز بلندترین قله یعنی اولمپ، مجسم کرده اند و آپولون را در حال سخن گفتن از شکاف های رعب انگیز و سنگی معبد دلفی نمایانده اند.

به این ترتیب، خدایان در یونان، شکل هایی **انسانی** به خود گرفتند؛ با خصوصیات اخلاقی یک انسان و تنها تفاوتشان با انسان این بود که **خدایان یونانی فنا ناپذیرند**. ضرب المثلی یونانی است که می گوید: " یونانی ها، خدایان خود را به صورت انسان ها و انسان های خود را به صورت خدایان درمی آورند."

انسان با خصوصیت خدایی، یعنی آفریدن فرد کامل؛ که این مسئله **کمال مطلوب** یونانیان شد. در واقع در نزد یونانیان همه چیز در حالت کمال مطلوب خود، زیباست. آدمی نیز باید به معیاری برای بهترین ها، تبدیل شود.

دوره های هنری یونان :

1. دوره هندسی (700-1000 ق.م)
2. دوره کهن (490-610 ق.م)
3. دوره گذار (450-480 ق.م)
4. دوره کلاسیک شامل دو دوره :
 - 4-1 دوره کلاسیک پیشین (آغازین) (450-400 ق.م)
 - 4-2 دوره کلاسیک پسین (323-400 ق.م)
5. دوره هلنی (هلنیسم - یونان مآبی) (323-30 ق.م)

1. دوره هندسی^۱:

سفال گری، بهتر از هر وسیله هنری دیگری، دوره میسنی پسین (دوره نابد میسنی) را به دوره تاریخی یونان پیوند می دهد. به این ترتیب، مطالعه هنر یونان از بررسی نقاشی های گلدانی این دوره آغاز می شود. در گلدان ها و ظروف سفالی دوره کهن یونان، انسان نخستین بار، موضوع مطالعه ژرف تحلیلی شده است. در واقع همان طور که انسان محور اندیشه و علاقه هنر یونانی است، پیکره آدمی نیز در جداره ظروف، موضوع اصلی هنر بوده است. همان طور که فیلسوف پرسش هایی درباره طبیعت انسان و هدف زندگی مطرح می کند، هنرمند نیز در این باره که انسان چگونه به هم نوعان خود نگاه می کند، شروع به پژوهش می کند.

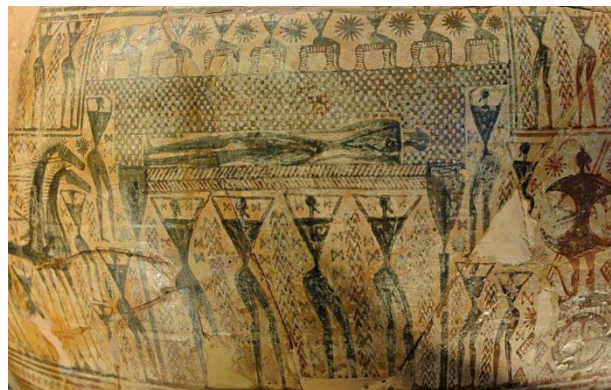
اگر در تمدن های کهن، برجستگی ها و خطوط چهره آدمی مهم بود و به تصویر در می آمد، در هنر یونان، مشاهده حالت و جنبش بدن در جریان زندگی، اهمیت دارد؛ هر چند این تحول ناگهانی به وجود نیامد و صدها سال طول کشید.

نقاشی روی ظروف سفالی - دوره هندسی: قدیمی ترین کوزه دو دسته به نام آمفورا، به سده 10 ق.م تعلق دارد. این کوزه نماینده نخستین مراحل شکل گیری سبک هندسی است. در گلدان دیپولون^۲، متعلق به سده 8 ق.م (دوره اوج گیری سبک هندسی)، پیکره انسان ظاهر می شود. شکل ها دقیق، منظم و هندسی اند و پیکره های بی نهایت انتزاعی در مجاورت دسته های گلدان دیده می شوند.

نوع دیگری از کوزه ها و گلدان های یونانی که **مخلوط کن** نامیده می شد، در مقایسه با آمفورا، بدنه ای بزرگتر و دهانه ای گشادتر داشت. در نمونه ای از این مخلوط کن که از همان گورستان دیپولون به دست آمده (مخلوط کن دیپولون)، تعداد پیکره ها به طرز چشم گیری افزایش یافته است که حکایت از کشف دوباره موضوع پیکره آدمی دارد. پیکره ها در حال تشییع جنازه هستند. جنگاوران در پشت سرشان با دید روبه رو ترسیم شده اند.



گلدان دیپولون - سده 8 ق.م



گلدان مخلوط کن دیپولون - سده 8 ق.م با جزئیات آن (مراسم تشییع جنازه) -



² دلیل نام گذاری این شیوه به هندسی، استفاده از طرح های هندسی و انتزاعی بر روی سطح گلدان ها است.

³ نام این گلدان از محل کشف خود یعنی گورستان دیپولون آتن گرفته شده است.

معماری:

در این بخش خانم گاردنر ابتدا به بیان ویژگی های عام معماری یونان و شیوه های آن می پردازد و در ادامه مصادیق معماری هر دوره را بیان می کند.

مقدمه:

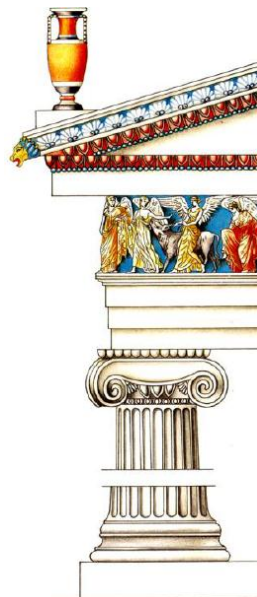
"احیای" معماری یونان به دست مهندسان معمار اروپایی در اواخر سده هجدهم باعث انتشار سبک یونانی شد و به خصوص در بناهای رسمی مانند دادگستری ها، بانکها، تالارهای شهر و مجالس قانون گذاری که با توجه به تاثیرگذاری با ابهت شان طراحی می شدند، از معماری دوره کلاسیک که اساسا از معماری یونان ملهم بود، تقلید می شد.

ساختمان های بسیار مهم یونانی ها در آغاز به شکل زیارتگاه های ساده بود برای نگه داری از تندیس های خدایانشان. هر روز به ساختن این ساختمان ها توجه بیشتری معطوف می شد تا آنکه تصمیم گرفتند صفات هر خدا را در خود ساختمان ها یا زیارتگاه ها، مجسم کنند.

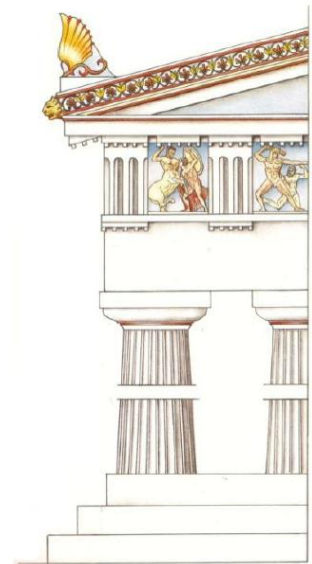
علاوه بر اینکه پیکرتراشی یونانی، با معماری آن تلفیق می شود⁴، یونانی ها خود ساختمان را نیز گونه ای پیکره می دانستند که شکلی انتزاعی دارد و از نیروی یک پیکره برای مجسم ساختن صفات انسانی برخوردار است.



سرستون کورنتی



سرستون یونیک



سرستون دوریک

⁴پیکرتراشی تا اندازه ای در تزئین ساختمان ها، تا اندازه ای در بازگویی بخشی از صفات خدایی که نمادش درون معبد گذاشته می شد و تا اندازه ای نیز به عنوان یک پیشکش نذری، مورد استفاده قرار می گرفت.



سرستون یونیک



سرستون کرنتی

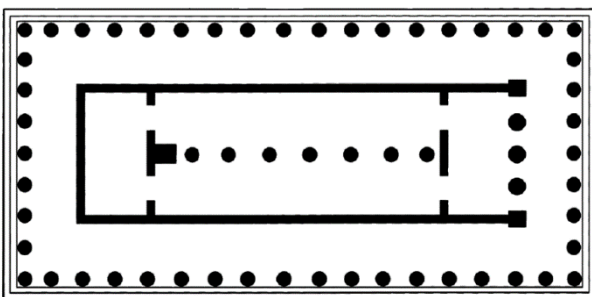


سرستون دوریک

1. معبد اول پانستوم (معبد اول هرا یا باسیلیکا) (شیوه دوریک) :

باسیلیکای پستتوم در جنوی ناپل، دود 550 ق.م، نمونه ای از سبک دوریک کهن است. در واقع نام این معبد به اشتباه باسیلیکا نام گذاری شده است. پژوهندگان اولیه به دلیل تشابهی که بین این ساختمان و یک نوع ساختمان رومی به نام "باسیلیکا" بود، آن را به این نام، نامگذاری کردند.

معبدی است دورستونی با ستون های سنگین و تحذب برجسته، فواصل فشرده، سرستون های بزرگ و بالش گونه در زیر اسپری بزرگ که باعث می شود ستون ها کوتاه به نظر بیایند. سنگینی طرح و باریکی فضاهای بین ستونها، احتمالا دلیلی ساختمانی دارد و دلیل آن به اعتقاد گاردنر این است که از آنجا که معماران نمی توانستند در این دوره به مقاومت مصالح شان، اطمینان کنند، فاصله بین ستون ها را کم می کردند.



پلان و سه بعدی معبد اول هرا (باسیلیکا)

"شیوه کرنتی در سده 5 ق.م به ظهور رسید و تقریباً تا صد سال فقط در درون ساختمان معبد به کار گرفته شد."

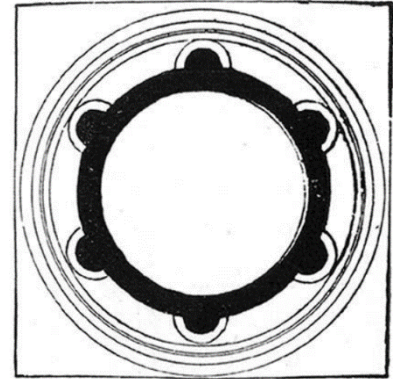


بنای یادبود لوسیگراتس که در سال 334

ق.م در آتن ساخته شد اولین نمونه به کارگیری شیوه کورنتی در محیط بیرونی یک ساختمان است. (در ساختمانی یادمانی و نه مذهبی ظهور می یابد).

از آن به بعد شیوه کورنتی بیشتر از قبل در سطح خارجی ساختمان های عمومی ظاهر شد تا آنکه در طراحی و نقش و نگارهای

معمارانه رومیان، تمام شیوه های دیگر را از میدان بیرون می کند.



پلان و سه بعدی بنای یادبود لوسیگراتس

نکته : شیوه کورنتی، مسایل آزاردهنده شیوه یونیک و دوریک را حل کرد. معمای سه ترکی های گوشه ای در شیوه دوریک و معمای ماریچ های گوشه ای در شیوه یونیک.

5. دوره هلنی :

فیلیپ مقدونی، دولت شهرهای آزاد یونان را به انقیاد خود درآورد. پسرش اسکندر که مدتی شاگرد ارسطو بود، بعد از 150 سال به ایران سفر کرد و امپراطوری ایران را سرنگون کرد و سراسر خاور نزدیک، از جمله مصر را تسخیر کرد. تسخیر این منطقه پهناور توسط یونان، موجب پیدایش فرهنگ و دوره ای به نام هلنی در تاریخ شد که ملغمه ای شگفت انگیز از اندیشه ها، دین ها و هنرهای شرقی و غربی است. و دوره ای طولانی همراه با سلطه فرهنگی یونان را در پی داشت. مرگ اسکندر آغاز تقسیم امپراطوری پهناور اسکندر در میان سردارانش بود.

مهم ترین مراکز فرهنگی در دوره هلنی، انطاکیه در سوریه، اسکندریه در مصر و پرگاموم در آسیای صغیر بود. فرهنگی بین المللی عامل پیوند دهنده دنیای هلنی و زبانش، زبان یونانی بود. دنیای کوچک و قهرمانانه دولت شهرهای یونان به تمدنی "جهانی" بدل شد.

جملات کلیدی معماری یونان:

- اساس معماری یونان بر پایه ستون است.
- معماری یونان مانند موسیقی کلاسیک دارای یک مضمون ساده و اصلی است که مجموعه ای از اشکال بغرنج تر اما همیشه مفهومی تر از بطن آن فراروییده است.
- یونانیان معتقد بودند معماری مانند پیکرتراشی باید تابع تناسبات هارمونیک به شیوه طبیعت باشد.
- اصول فلسفی معماری یونان مبتنی بر "وضوح"، "تناسب" و "ضابطه مندی" است.

- در معماری یونان سنگ ها بدون ملات با اتصالات فلزی و نیروی ثقل به یکدیگر وصل می شدند.
- توجه به پرسپکتیو و زاویه کنج و نگاه تندویس وارانه به معماری در این دوره اهمیت ویژه دارد.

مصادیق معماری یونان براساس شیوه های معماری :

شیوه دوریک : 1. معبد اول و دوم هرا 2. معبد پارتنون

شیوه یونیک : 1. کنج خانه سیفنوسیها 2. معبد الهه اتنا و ارختئوم از مجموعه آکروپلیس 3. معبد آپولون در دیدوما

شیوه کورنتی : بنای یادبود لوسیگراتس (لیسیگراتس)